

Criticism of William Glaser's view on parents' controlling behaviors on children and the impact of these behaviors on mental health from the perspective of Islam

Mohammad Jaafar Allah Moradian ¹

Seyed Ali Asghar MirKhalili ^{2*}

1. Islamic Azad University, Karaj
branch, Karaj, Iran

2 . Alborz University of Medical
Sciences, Karaj, Iran

* Corresponding Author:
s.mirkhalili@abzums.ac.ir

Abstract

Introduction: This research investigates the quality of control, particularly parental control, and its impact on family mental health. It seeks to address questions regarding the main root of mental disorders in Glasser's view, the quality and extent of control behaviors, and criticisms of Glasser's perspective from an Islamic approach.

Method: The study employs a narrative review method, analyzing Glasser's concepts of internal and external control and examining Quranic and narrative concepts in this context.

Results: Glasser advocates for eliminating controlling behaviors such as criticism, complaining, blaming, nagging, threatening, punishing, and blackmailing, and instead promoting negotiation, listening, friendship, respect, and intimacy for better relationships. However, Islamic teachings do not consider these alternative behaviors sufficient and allow for the use of some controlling behaviors in a specific and minimal manner.

Conclusion: Glasser's analysis and explanation of mental health and satisfaction resulting from healthy interpersonal relationships without controlling behaviors contrast with Islamic teachings, which suggest that control behaviors can sometimes be necessary to maintain a relationship.

Keywords: Parental control, Family mental health, Glasser's view on mental disorders, Control behaviors, Islamic perspective on control behaviors

How to cite this article: Allah Moradian M J, MirKhalili S A A. Criticism of William Glaser's view on parents' controlling behaviors on children and the impact of these behaviors on mental health from the perspective of Islam. Alborz University Medical Journal 2025; 14 (3): 291-300

نقد و بررسی دیدگاه ویلیام گلاسر در رفتارهای کنترل‌گرانه والدین بر فرزندان و تأثیر این رفتارها بر سلامت روانی از نگاه اسلام

چکیده

مقدمه: یکی از مباحث مهم در زمینه کنترل و ایجاد حس مسئولیت‌پذیری، میزان مجاز استفاده از رفتار کنترل‌گرانه است که باعث اختلاف دیدگاه روان‌شناسان غربی و مسلمان در این زمینه گردیده است. درحالی‌که فردی، همچون گلاسر، بر کنترل درونی جهت انتخاب رفتار تأکید دارد، اما اسلام دیدگاه متفاوتی در زمینه کنترل و مسئولیت‌پذیری فردی دارد. هدف این پژوهش کیفیت کنترل بیرونی به‌خصوص کنترل والدین بر فرزندان و تأثیر آن بر سلامت روانی خانواده است و به دنبال پاسخ به این سؤالات است که ریشه اصلی اختلالات روانی در دیدگاه گلاسر چیست؟ حدود و میزان استفاده از رفتارهای کنترل‌گرانه به چه کیفیتی است؟ از منظر اسلام چه انتقاداتی بر دیدگاه گلاسر وارد است؟

روش کار: برای پاسخ به این سؤالات، سعی شده است از تحلیل مفهومی و نظری کنترل درونی و بیرونی گلاسر و بررسی مفاهیم قرآنی و روایی که در این باره وارد شده است، استفاده گردد.

یافته‌ها: درحالی‌که گلاسر معتقد است برای ایجاد رابطه خوب باید به طور مطلق از رفتارهایی مانند انتقاد، شکایت، سرزنش، غرولند، تهدید، تنبیه، باج دست برداشت و باید به‌جای آن‌ها از مذاکره، گوش‌کردن، دوستی، احترام و صمیمیت بهره برد تا رابطه پررنگ‌تر و بهتر شود، اما آموزه‌های اسلامی رفتارهای جایگزین را کافی نمی‌داند و استفاده از برخی از این رفتارهای کنترل‌گرانه را به‌صورت خاص و حداقلی می‌پذیرد.

نتیجه‌گیری: یافته‌های تحقیق نشان داد که گلاسر، سلامت روان و رضایت‌مندی حاصل از روابط بین‌فردی سالم را در عدم استفاده از رفتارهای کنترل‌گرانه تحلیل و تبیین کرده و معتقد است کنترل درونی و رضایت از نیازهای اساسی اساس سلامت روان است، اما در آموزه‌های اسلامی بر خلاف نظر گلاسر، حفظ رابطه به این معنا نیست که به طور مطلق نمی‌توان از رفتارهای کنترل‌گرانه استفاده کرد، بلکه در مواردی کنترل بیرونی به‌صورت محدود و مشروط لازم و ضروری است و در عین توجه به مسئولیت‌پذیری فردی، به کنترل بیرونی نیز همچون قوانین الهی و مسئله امر به معروف و نهی از منکر توجه دارد.

واژه‌های کلیدی: کنترل والدین، سلامت روان خانواده، دیدگاه گلاسر در مورد اختلالات روانی، رفتارهای کنترل‌گرانه، دیدگاه اسلام در مورد رفتارهای کنترل‌گرانه

محمدجعفر الله مرادیان^۱
سید علی اصغر میرخلیلی^{۲*}

۱-دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران
۲-دانشگاه علوم پزشکی البرز، کرج، ایران

* نویسنده مسئول:

s.mirkhalili@abzums.ac.ir

مقدمه

تلاش روان‌شناسی برای درمان مشکلات روانی انسان است. یک روان‌شناس و مشاور زمانی که نظریه‌پردازی می‌کند معتقد است راه و روش زندگی که منجر به خشنودی و رضایتمندی است، پیدا کرده است. در دین اسلام نیز آموزه‌های زیادی در این باره وجود دارد که به دنبال ایجاد رضایتمندی و آرامش میان انسان‌ها است. گلاس از جمله روان‌شناسان است که به این حوزه ورود کرده و به مسئله درمان مشکلات روحی و روانی پرداخته است. گلاس با وجود اینکه در علم روان‌پزشکی تخصص دارد، اما درمان اختلالات و آسیب‌های اجتماعی را در دارو دنبال نمی‌کند و درمان را در برنامه عاطفی خانواده پیگیری می‌نماید. وی معتقد است این داروها درمان موقت است و با کاهش مصرف دارو، مشکل و مسئله نیز حل نمی‌شود (۱). به‌علاوه این داروها داری عوارض جدی مانند کاهش افکار و... که منجر به توانمندی شخص است می‌باشد (۲). در آموزه‌های اسلامی و دینی نیز، یکی از مهم‌ترین مسائل توجه به بهداشت و سلامت روانی است و مدعی درمان از منظر حل مسائل خانواده است. چنان‌که شاهد آن هستیم که درمانگری و شفا از مسیری غیر دارو نیز دنبال شده است؛ چنان‌که در تعدادی از آیات، قرآن به‌عنوان کتاب درمانگر و شفا معرفی شده است و در کلامی از امام علی (ع) در توصیف حضرت رسول (ص)، پیامبر را پزشکی معرفی می‌کند که با داروهای خویش بیماران غفلت زده و سرگشته را رسیدگی و درمان می‌کند (۳) یعنی پیامبر اکرم (ص) که مبین و مفسر دین است؛ مانند یک درمانگر بدون قرص و دارو معرفی می‌شود که به دنبال درمانگری مردم بوده است. از این رو لازم است باتوجه به اشتراک کلی دیدگاه گلاس با دیدگاه اسلام، نظریه وی را در رفتارهای کنترل‌گرانه والدین بر فرزندان و تأثیر این رفتارها بر سلامت روانی بررسی کرده و از دیدگاه اسلام، این نظریه را مورد نقد و بررسی قرار دهیم تا با مقایسه این دو دیدگاه، به شباهت و تفاوت‌های این دو پی ببریم؛ لذا ابتدا دیدگاه گلاس را مطرح و سپس، از منظر اسلام مورد بررسی قرار می‌دهیم. آنچه باعث شد که در میان روان‌شناسان کنترل‌گرانه، دیدگاه گلاس را مورد بررسی قرار دهیم، صرفاً توانایی علمی، شهرت و عملکرد موفق ایشان نیست، بلکه هماهنگی بیشتر نگرش و تفکرات این درمانگر با آموزه‌های اسلام دارد.

گلاس که دارای شخصیت و منش ویژه‌ای است، اهل مادیات نبوده و معتقد است که اگر اولویت اول درمانگر پول باشد موفق نخواهد بود. از نظر وی اعتماد بیمار به درمانگر و عدم تمرکز درمانگر بر مسائل مادی

یکی از مهمترین عوامل موثر بر موفقیت روان درمانی است (۴). این ویژگی در اندیشه او با آموزه‌های اسلامی قابل مقایسه است؛ چنان‌که قرآن از زبان پیامبران می‌فرماید: ای قوم من برای این (رسالت) پاداشی از شما درخواست نمی‌کنم. پاداش من جز بر عهده کسی که مرا آفریده است نیست. (۵) البته برخلاف انبیاء که به طور مطلق و بدون قید به دنبال کمک رسانی و حل مشکلات مردم بودند، گلاس در کار خود به مسائل مالی توجه داشته است، اما دریافت هزینه را مشروط به بهبود و حل مساله مراجعین می‌کند. (۶) قطعاً یکی از مولفه‌های اصلی در اعتماد به درمانگر، عدم تمرکز بر مسائل مالی و مادی می‌باشد. چنان‌که در آیه ۲۱ سوره یس بعد از اینکه سه پیامبر برگزیده و با مخالفت مردم مواجه شدند، شخصی از میان مردم به آنها چنین گفت: از کسانی که پاداشی از شما نمی‌خواهند پیروی کنید. (۵) در واقع، به نظر می‌رسد وقتی این فرد متوجه می‌شود اشخاصی که برای هدایت آنها آمده‌اند به دنبال مزد نیستند به آنها اعتماد می‌کند و از ایشان تبعیت می‌کند. از این رو از نگاه قرآن کسی می‌تواند راهنما و هدایت‌کننده باشد که مورد اعتماد قرار گیرد و یکی از دلایل اعتماد و ایمان به انبیا همین نکته است. اما امروزه هدف اصلی و تمرکز برخی روان‌شناسان، بجای کمک به مراجعین، منافع مالی و شخصی است. شاید بتوان یکی از مهم‌ترین علل پیشرفت و موفقیت گلاس را نیز که در سراسر دنیا مؤسسات و نمایندگی‌هایی دارد، این دانست که وی به جای اینکه دنبال پول و تمرکز بر مسائل مادی باشد به دنبال کیفیت و جلب اعتماد مردم و مراجعان و کمک به آنها است (۲).

یکی دیگر از مؤلفه‌های مشترک گلاس با اسلام، منشأ خوشبختی است که اعتقاد دارد احساس ناخشنودی و نارضایتی در ثروتمندان و قدرتمندان هم دیده می‌شود و در واقع، ثروت و قدرت و تلاش زیاد تضمین‌کننده خوشبختی نیست. وی معتقد است خوشبختی در بیرون از انسان نیست؛ بلکه برای رسیدن به خوشبختی باید به درون انسان توجه کرد. قرآن نیز خوشبختی را در درون انسان پیگیری می‌کند. چنان‌که در یکی آیه ۱۰۵ سوره مائده می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید به خودتان بپردازید که توصیه به خودسازی و توجه به درون است و حتی در آیه «قد افلح من زکیها»، به صراحت خوشبختی و رستگاری را متعلق به کسانی می‌داند که به ترکیه و خودسازی توجه دارند. در واقع یکی از علل مهم مشکلات امروز بشر این است که به جای توجه و تمرکز به درون خود و خودسازی، بر عوامل بیرونی خود یعنی وضعیت زندگی خویش متمرکز

اسلامی، مشابهت و تفاوت‌های این دو را مورد بحث و بررسی قرار دهد. به همین منظور در گام اول، دیدگاه گلاسر تبیین گردیده و سپس با آیات و روایاتی که در زمینه لزوم به‌کارگیری رفتار کنترل‌گرانه وجود دارد، تطبیق داده شده است.

یافته‌ها و بحث

منشأ مشکلات روانی و درمان آن از دیدگاه گلاسر

گلاسر به‌عنوان مبدع نظریه انتخاب، در پاسخ به چرایی و چگونگی رفتار انسان، هدف هر رفتار را ارضای یکی از نیازهای روان‌شناختی، شامل نیاز به بقا، عشق و احساس تعلق، قدرت و ارزشمندی، آزادی و اختیار و تفریح می‌داند. به اعتقاد وی، نیازهای مربوط به بقا به‌عنوان تنها نیاز اساسی فیزیولوژیک در تمام جانداران به طور ژنتیک برنامه‌ریزی شده است، در انسان علاوه بر این نیاز، چهار نیاز دیگر به نام‌های نیاز به عشق و تعلق، قدرت (پیشرفت/ شایستگی)، آزادی (استقلال) و تفریح (لذت)، به‌عنوان نیازهای اساسی روان‌شناختی نیز به طور ژنتیک، برنامه‌ریزی شده است (۹). ارضای این نیازها در انسان‌ها متفاوت است و علم و شناخت در تنوع مصادیق نیازهای انسان تأثیر می‌گذارد و با تغییر نوع فکر، نیز مصادیق نیازها تغییر می‌کند. به‌عنوان مثال بعضی باگذشت و چشم‌پوشی، احساس قدرت می‌کنند؛ لذا مصداق قدرت را زورگویی و فریادزدن بر دیگران، نمی‌داند و برخی، بازور و روش غلط و شخص دیگر با رفاقت که به روش صحیح است، نیاز به قدرت را ارضا می‌کند.

گلاسر بر این باور است که اگر مشکلی سبب ناراحتی و آسیب روانی یک فرد می‌شود، نشأت گرفته از ناتوانی آن شخص در ارضای صحیح نیازهای اساسی است (۷). از نظر گلاسر، در میان نیازهای اساسی انسان، غالباً نیاز به عشق و تعلق، مهم‌ترین نیاز امروزی است. در واقع تحقق مطلوب نیازهای دیگر نیز به‌نوعی در سایه تحقق این نیاز، ممکن خواهد بود. زیرا تحقق تمام نیازهای اساسی، تنها در یک بافت اجتماعی و در رابطه با دیگران امکان‌پذیر خواهد بود. به اعتقاد گلاسر تغذیه روانی فرد در سایه ارضای این نیاز صورت می‌گیرد. این موضوع نشان می‌دهد که ارضای نیاز به عشق و تعلق خاطر، کلید ارضای تمام نیازهای دیگر انسانی است (۴). از این‌رو گلاسر معتقد است فردی که درازمدت نتوانسته باشد روابط محبت‌آمیز و توأم با عشق، محبت و احساس تعلق را تجربه کند، بدون شک، دچار عوارض و علائم روان‌شناختی خواهد شد. ۱۰ از نظر گلاسر، مشکلات

است و تمام تلاشش را برای پیشرفت در امور ظاهری زندگی متمرکز می‌کند. پیام آموزه‌های اسلامی و گلاسر به کسانی که فکر می‌کنند راه حل همه مشکلات و رسیدن به خوشبختی، قدرت و ثروت است این است که هرچند پول و ثروت در خوشبختی تأثیرگذار است، اما باید بیشتر به درون خود توجه کرد.

دیدگاه دیگر گلاسر که به آموزه‌های اسلامی نزدیک است، اعتقاد بر «تقابل مصرف الکل با خشنودی و رضایتمندی» است که مصرف آن را نوعی لذت‌جویی می‌نامد، نه رضایتمندی و خشنودی. ^۶ دین اسلام نیز معتقد است مضرات مصرف الکل بیشتر از منافعش می‌باشد (۵) و با توجه به مضرات آن بر عقل و رفتار، روابط اجتماعی و خانوادگی و تضاد آن با خشنودی الهی، مصرف آن را مخالف با خشنودی و رضایتمندی می‌داند. گلاسر همچنین همانند آموزه‌های اسلامی، همجنس‌گرایی را ژنتیکی نمی‌داند و معتقد است انحراف تصاویر آلبوم ذهنی باعث این پدیده گردیده است. وی در تبیین دیدگاه خود می‌نویسد: هر چند تغییر تصاویر جنسی در آلبوم ذهن، چه عادی و چه غیرعادی، مشکل است؛ ولی این تصاویر (حتی تصاویر جنسی عادی) ذاتی نیستند. گواه این مدعا پژوهش‌هایی است که در آن ثابت شده احتمال همجنس‌باز بودن در فرزندان افراد همجنس‌گرا از لحاظ آماری بیش از جمعیت عادی نیست (۸).

مورد دیگر این است که باوجود اینکه گلاسر به تفاوت‌های جنسیتی توجه و ورود نکرده است؛ اما برخلاف فمینیست‌ها با قانونی کردن دفاع حقوق زنان و تشدید فضای حقوقی و الزام‌آور در این زمینه، مخالف است و دفاع از حقوق زنان را در حیطه اخلاق مفید می‌داند ^۲ این نوع طرز فکر مبنی بر دفاع اخلاق مدارانه، از عنوان کتاب تئوری انتخاب وی نیز نمایان است. وی بیشتر با توصیه‌های اخلاقی مانند: آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز پسند و غیره موافق است. این نظریه نیز با داده‌های اسلامی سازگاری دارد که در مساله زناشویی و حل تعارض‌های زن و مرد، بجای تاکید بر الزام و اجبار، بر مدیریت تعارض‌های زناشویی تاکید دارد. با توجه به این وحدت نظر می‌توان فهمید که نوع فکر ایشان نزدیکی و قربات زیادی با دین اسلام دارد از این رو ما در بین روان‌شناسان مشهور، ایشان را انتخاب کردیم.

روش کار

در این مطالعه تلاش می‌شود که با بررسی دیدگاه‌های ویلیام گلاسر در زمینه رفتار کنترل‌گرانه از یک‌سو و مقایسه آن با رویکرد و آموزه‌های

همانطور که گلاس، به روابط خوب در رضایتمندی و آرامش روانی انسان‌ها اشاره می‌کند، در متون اسلامی نیز به داشتن رابطه خوب سفارش شده و به نقش موثر آن اشاره شده است. چنانکه قرآن دلیل گرایش مردم به پیامبر (ص) را نرم‌خو بودن و رابطه مهربانانه ایشان با مردم می‌داند. ۵ در روایتی پیامبر اکرم (ص) برای حفظ رابطه و احترام بین زوجین تأکید فراوانی دارد، چنانکه در روایتی حضرت رسول با اشاره به اهمیت این موضوع، می‌فرماید: «برادرم جبرئیل مرا خبر داد، و پیوسته سفارش می‌کرد درباره زنان، تا آنجا که گمان بردم مرد حق ندارد به همسرش اُف بگوید» که کمترین مرتبه رفتار کنترل‌گرانه می‌باشد^{۱۴} در روایتی دیگر حضرت توصیه به بهترین رفتارها در محیط خانواده، می‌کند: خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ. بهترین شما کسانی هستند که برای اهل خود بهترند (۱۵). در حدیثی دیگر نیز می‌فرماید: می‌خواهید شما را به بهترین اخلاق دنیا و آخرت آگاه کنم؟ آن اخلاق این است: از کسی که به تو ستم کرده است، درگذر، با خویشان و خویشانی که از تو بریده‌اند پیوند برقرار کن، به کسی که نسبت به تو بدی کرده است نیکی نما و به کسی که تو را محروم کرده است بخشش کن (۱۶). در این روایت به حدی حفظ رابطه مهم است که جزء بهترین اخلاق دنیا و آخرت به شمار آمده است.

حال باتوجه به این میزان تأکید قرآن و آموزه‌های دینی مبنی بر حفظ رابطه، این سؤال مطرح می‌شود که آیا در اسلام نیز همچون دیدگاه گلاس، عدم حفظ رابطه نیز در آسیب‌های روانی مؤثر است یا خیر؟

بررسی تأثیر عدم حفظ رابطه در آسیب‌های روانی از دیدگاه اسلام

از منظر اسلام، اساس زندگی خانوادگی بر محبت بنا شده است. چنانکه در آیه «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» رابطه زن و شوهری و تشکیل خانواده را مایه آرامش زن و مرد دانسته و همچنین رسیدن به آرامش روانی را در رابطه زن و شوهری عنوان کرده است (۵). گویا دوری از رابطه عاطفی و خانواده، همواره قرین با اضطراب و تشویش خاطر است و فقط انس با همسر، این اضطراب را به آرامش تبدیل خواهد کرد. در روایات معصومین نیز، این امر مورد تأکید قرار گرفته است. چنانکه امام علی (ع) نیز می‌فرماید: از غیرت ورزیدن بیجا (نسبت به زنان) پرهیز که آن، زن سالم را به بیماری می‌کشد (۳). از این روایت می‌توان نتیجه گرفت که غیرت ورزیدن بیجا مخل رابطه است زیرا که نیاز به آزادی زن

مزمین روان‌شناختی، به هر شکل اعم از افسردگی، اضطراب، وسواس و یا هر شکل دیگری، در واقع حاکی از مشکلات رابطه‌ای هستند. وقتی نیاز به عشق و تعلق، در طولانی مدت آسیب ببیند، بیماری روان‌شناختی، غیرقابل اجتناب است (۱۱). ارضانشدن این نیاز روان‌شناختی می‌تواند از دو منبع عمده ناشی شود: یا فرد، درگیر روابط بسیار مخربی است که به ارضای این نیاز، آسیب‌زده است، و یا اینکه فرد اصلاً فاقد هر گونه رابطه مثبت و تقویت‌کننده است. چرا که عمده ارضای نیاز به عاطفی در عدم کنترل بیرونی و انجام‌ندادن هفت رفتار مخرب (انتقاد، شکایت، سرزنش، غرولند، تهدید، تنبیه، باج) است (۲).

کنترل درونی و بیرونی

همان‌طور که بیان شد، گلاس منشأ مشکلات و آسیب‌های انسانی در عدم ارضای صحیح نیازهای بنیادی انسان می‌داند و از سوی دیگر، وی مسیر صحیح ارضای نیازهای بنیادی را در حفظ رابطه عاطفی می‌داند که به واسطه عدم استفاده از هفت رفتار مخرب و استفاده از کنترل درونی میسر می‌شود. در واقع، گلاس معتقد است که انسان با «کنترل بیرونی»، سعی دارد که محیط و از جمله رفتار دیگران را تغییر دهد که همین امر مایه فلات و بدبختی انسان‌ها است. این کنترل بیرونی از طریق عادات رایجی همچون انتقاد، سرزنش، گلایه و شکایت، تهدید و تنبیه در روابط انسانی بکار می‌رود و مخرب مهلکی برای روابط انسانی محسوب می‌شود، درحالی‌که کنترل درونی یا سلطه ثانویه، تلاش برای تغییر خود و سازگارشدن با شرایط محیطی به‌گونه‌ای است که امکان ارضای نیازها فراهم شود، است.

به اعتقاد گلاس، کنترل بیرونی توان رضایتمندی افراد از رابطه را، از آنها می‌گیرد و منجر به جدایی از انسان‌ها و عدم رضایتمندی می‌شود که این جدایی و فقدان روابط صمیمی و سالم، سرمنشأ بروز بسیاری از اختلالات روانی و آسیب‌های اجتماعی خواهد بود. گلاس معتقد است برای ایجاد رابطه خوب باید به طور مطلق از رفتارهایی مانند انتقاد، شکایت، سرزنش و... دست برداشت و باید به‌جای آن‌ها از مذاکره، گوش‌کردن، دوستی، احترام و صمیمیت بهره برد تا رابطه پررنگ‌تر و بهتر شود (۱۲). بررسی دیدگاه گلاس، حاکی از آن است که نظریه انتخاب وی، به گروه روان‌شناسان کنترل درونی تعلق دارد که منشأ رفتار آدمی را از درون می‌داند و نه از بیرون محیط (۱۳).

نقد و بررسی دیدگاه گلاس از نگاه اسلام

که این نکته را نیز باید در نظر گرفت که بهرغم وجود تفاوت‌ها میان چهار گروه مذکور، اشتراکاتی نیز نسبت به همین گروه دارند.

بررسی سبک زندگی اسلامی در مواجهه با فرزندان نشان می‌دهد که بیشترین توجه متون اسلامی در موضوع تربیت، استفاده از سبک پیشگیری است. طبق آموزه‌های اسلامی باید پیش از هر گونه انتقاد، نصیحت و سرزنش دیگران، به آنها آگاهی و آموزش دهیم. چنانچه امام صادق (ع) هم در این رابطه می‌فرماید: به نوجوانان و جوانان خود سخنان و گفته‌های ما را بیاموزید، پیش از آنکه مرجئه (منحرفان فکری) در این کار بر شما پیش بگیرند. در سنت پیامبر اکرم (ص) نقل شده که حضرت از کارهای کودکان ایراد نمی‌گرفت؛ بلکه کار درست و کامل را به آنان یاد می‌داد و می‌فرمود: این‌گونه انجام دهید (۱۸).

در واقع در مباحث تربیتی، توجه اسلام بیشتر به آموزش غیر دستوری است؛ چنانکه متون اسلامی روش‌های خاصی در بحث تربیتی «آموزش پیش‌گیرانه» دارد که به چند مورد آن می‌پردازیم:

۱- در قالب عملی: یکی از قالب‌ها در بحث تربیتی، اصلاح اعمال و رفتار فرزندان از مسیر اعمال و رفتار خود والدین می‌باشد که نقش بسزایی در تربیت ایفا می‌کند. چنانکه حضرت علی (ع) می‌فرماید: دروغ گوئی نه شوخی و نه جدی آن، شایسته انسان نیست. درست نیست که فردی به فرزند خویش وعده‌ای بدهد و به آن وفا نکند، زیرا که دروغ‌گویی به فجور می‌انجامد و فجور هم انسان را به آتش می‌کشاند (۱۹). وقتی پدر یا مادر خود را اصلاح نکنند و دروغ بگویند، مقبولیت آنها نزد فرزندان از بین می‌رود و از جایگاه تربیتی تنزل پیدا می‌کنند و در نتیجه با آموزش‌های پنهان تحت تربیت منفی قرار می‌گیرند و این نوع تربیت منفی با رفتارهای کنترل‌گرانه اصلاح نمی‌شود. در اینجا در واقع، فارغ از رفتارهای کنترل‌گرانه، حضرت بر نقش رفتار و عمل صحیح بر تربیت فرزند دست گذاشته است که قطعاً تأثیرگذاری آن از هر نوع رفتار کنترل‌گرانه دیگری، موثرتر است.

۲- در قالب بازی: یکی از راه‌های رشد فرزند، برخورداری از فرصت بازی است که در اسلام نیز به بازی نگاه آموزشی پیش‌گیرانه شده است. در آموزه‌های دینی، نه تنها نقش بازی در تربیت جسمانی کودک مدنظر قرار گرفته است، بلکه به نقش بازی در تربیت عاطفی و عقلانی، روانی و اجتماعی نیز پرداخته است. چنانکه، امام کاظم (ع) می‌فرماید: کسانی در بزرگسالی عجول، شتابزده و بی‌ظرفیت هستند که در کودکی به اندازه کافی بازی نکرده‌اند (۱۹). بر این اساس باید اجازه داد بچه‌ها و کودکان از

تحت الشعاع قرار می‌گیرد و با عدم ارضای این نیاز اساسی، آسیب روانی را در پی دارد. در روایات دیگری نیز امام (ع) می‌فرماید: کسی که تغافل نکند و چشم خود را بر بسیاری از امور نبندد، زندگانی تلخی خواهد داشت (۱۷). در واقع، حساس بودن نسبت به عیب دیگران و استفاده‌ی افراطی از رفتارهای کنترل‌گرانه می‌تواند منجر به محدود کردن اختیار و آزادی دیگران و در ادامه مقاومت شخص مورد کنترل را در پی داشته باشد و در نتیجه تلخی زندگی و عدم خشنودی برای هر دو را در بر دارد. امام علی (علیه السلام) حتی درباره محدود کردن انسان توسط خودش نیز نهی فرموده و می‌فرماید: دل‌های آدمیان، دارای گرایش‌ها و رفت و برگشت‌های متناوب است. پس زمانی خودتان را به کاری وادارید و چیزی را بر خود بار کنید که آن را دوست داشته باشید و دلتان به آن گرایش پیدا کرده باشد. اگر چیزی را ناخواسته و با اکراه بر خود بار کنید، سر در گم و آشفته می‌شوید و در اقدامات روشن و بینا نیستید (۳). از این روایت می‌توان نتیجه گرفت به جای فشار، ابتدا میل و شوق به آن کار ایجاد شده و سپس انجام شود. بنابراین به جای فشار بر خود و دیگران مانند فشار والدین به فرزندان برای اموری چون درس خواندن، نماز خواندن و غیره، باید ابتدا تمایل و گرایش به آن امور را در ایشان ایجاد کرد. با توجه به این آیات و روایات می‌توان فهمید که عدم حفظ رابطه و کنترل‌گری باعث سردرگمی، آشفته‌گی و تلخی زندگی می‌شود که سر منشأ مشکلات روحی مانند افسردگی و اعتیاد و ... است. از این رو می‌توان گفت که دیدگاه اسلام نیز استفاده از کنترل درونی است و استفاده از رفتارهای دستوری را مخرب می‌داند.

نحوه‌ی استفاده از رفتارهای کنترل‌گرانه از دیدگاه اسلام

حال سؤال اساسی این است که آیا همان‌طور که در برخی آموزه‌های اسلامی به اشارت گذشت، اسلام نیز همچون گلاسرها استفاده از رفتارهای کنترل‌گرانه را به‌طور کلی منع نموده است و یا استفاده از آن را در مواردی جایز می‌شمارد و جمع بین رفتار کنترل‌گرانه بیرونی و درونی را امکان‌پذیر می‌داند و در واقع تفاوت این دو رویکرد در عدم استفاده از رفتارهای کنترل‌گرانه در چه سطح و میزانی است.

بررسی آثار گلاسرها نشان می‌دهد که وی به‌طور کلی چهار گروه را مورد مطالعه قرار می‌دهد و برای همه نسخه‌ واحدی تجویز می‌کند. این چهار گروه عبارت‌اند از: همسران، مدرسه، فرزندان و کارمندان شرکت‌های خصوصی و دولتی هستند که باتوجه به پیچیدگی و تفاوت بین این چهار گروه، در اینجا صرفاً سبک زندگی اسلامی فرزندان را مورد مطالعه قرار می‌دهیم؛ هر چند

بازی‌های (مشروع و غیرخطرناک) دنیایی لذت ببرند تا در سن بزرگسالی عیجول نباشند.

۳- در قالب رفتارهای مهرورزانه: یکی دیگر از روش‌های تربیتی جایگزین رفتارهای کنترل‌گرانه، رفتارهای مهرورزانه همچون هدیه دادن، برخورد محبت‌آمیز و محترمانه، احسان کردن و مدارا کردن با صفا و صمیمیت می‌باشد که در آموزه‌های دین بسیار مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. چنانکه پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: به یکدیگر هدیه دهید؛ به درستی که هدیه کینه‌ها را از بین می‌برد و در روایتی دیگر می‌فرماید: تَهَادُوا تَحَابُّوا هدیه دهید تا به یکدیگر محبت پیدا کنید. حضرت علی (ع) وقتی می‌خواستند با فرزندان‌شان، به ویژه در سنین خردسالی سخن بگویند، از واژه «یابُئِی» استفاده می‌کردند که حاکی از مهرآمیز بودن و نشان دادن مهر درونی به فرزندان بود. ایشان می‌فرماید: با بچه‌هایتان به گونه‌ای برخورد کنید که آنها خودشان را کریم و با شخصیت بدانند. در نقلی آمده است: هنگامی که حضرت فاطمه (س) به دیدن پدرشان می‌آمد، آن حضرت به احترام دخترشان از جای برمی‌خاستند و ایشان را می‌بوسیدند و به جای خود می‌نشاندند (۱۹).

۴- در قالب برخورد‌های عادلانه والدین با فرزندان: رفتار عادلانه و بدون تبعیض از جمله رفتارهای سازنده است که در اعماق وجود کودک بسیار تأثیرگذار است. در اسلام نیز عدالت‌ورزی و مواجهه عادلانه با دیگران از جمله فرزندان بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. چنانکه روزی پیامبر اکرم (ص) در حال سخن گفتن با یاران خود بودند. در این حین کودکی وارد شد و به سوی پدر خویش که در میان جمعیت بود، رفت. پدر دستی بر سر وی کشید و وی را بر روی زانوی راست خود نشانده اندکی بعد، دختر آن مرد وارد شد و نزد پدر رفت. پدر دستی بر سر وی کشید و او را در کنار خود روی زمین نشانده. پیامبر اکرم (ص) که برخورد دوگانه پدر را دیدند، فرمودند: چرا هنگامی دخترت وارد شد، او را همانند پسر زانوی دیگری نگذاشتی؟ آن مرد دخترک خود را برگرفته و بر زانوی دیگرش نشانده. پیامبر (ص) با دیدن این کار خوشحال شده و فرمود: عدالت‌آمیز رفتار کردی! در همین زمینه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: خداوند دوست دارد، بین اولادتان حتی در بوسیدن هم عدالت برقرار کنید (۱۶).

از این روایات و نمونه‌های مشابه دیگر می‌توان به این نتیجه رسید که اگر با روش‌های پیش‌گیرانه، برنامه تربیتی فرزندان را دنبال کنیم، ایراد و اشکال به آنها به حداقل می‌رسد و آن‌چنان جایی برای رفتارهای کنترل‌گرانه‌ای مانند انتقاد، سرزنش و... باقی نمی‌ماند (۲۰). به همین دلیل نیز، متون اسلامی

در موارد حداقلی و با لحاظ قیودی همچون عدم تکرار سرزنش، استفاده از روش صحیح و محترمانه، برخی از این رفتارهای کنترل‌گرانه (مانند انتقاد، سرزنش و تنبیه) را جایز می‌داند. چنانکه امام صادق (ع) می‌فرماید: محبوب‌ترین برادر نزد من کسی است که عیوبم را به من اهدا کند که بر روش محترمانه توجه دارد و یا درباره نحوه ی تنبیه کردن، حضرت علی (ع) در روایت زیبایی می‌فرماید: گناهکار را با پاداش دادن به نیکوکار تنبیه کن! (۳) که بجای مواجهه مستقیم با خطاکار، تأکید بر روش تربیتی غیرمستقیم دارد. همچنین امام علی (ع) درباره سرزنش کردن می‌فرماید: زیاده روی در سرزنش کردن شعله‌های لجاجت و گستاخی را در آدمیان شعله ور می‌کند (۱۹) که به عدم تکرار سرزنش و توبیخ توجه دارد و یا در جای دیگری می‌فرماید: از تکرار سرزنش پرهیز که سرزنش شده را به گناه می‌کشد و سرزنش را از اثرگذاری می‌اندازد (۱۷) خصوصاً تکرار سرزنش و عتاب در مواجهه با جوانان نهی شده است؛ چرا که باعث شکستن قبح عمل و جرات پیدا کردن وی بر گناه می‌شود. لذا حتی در مواردی امر به تغافل و چشم پوشی شده است. چنانکه امام علی (ع) نیمی از شخص خردمند را سازگاری و تحمل کردن و نیمه دیگر او را چشم پوشی نمودن می‌داند. ضمن آنکه متون اسلامی با برخی رفتارهای کنترل‌گرانه مانند غرولند، تحقیر کردن، مقایسه و... مخالف است. در این رابطه امام علی (ع) فرمود: مجادله نکن که ارزش از بین می‌رود. همچنین در روایتی دیگر امام رضا (ع) در رابطه با احترام و عدم تحقیر فرزندان می‌فرماید: لازم است با تمام اطفال و بزرگسالان با ادب و احترام رفتار نمایی. پیامبر (ص) غرولند و جر و بحث را مردود شمرده و می‌فرماید: همین گناه تو را بس که پیوسته در حال ستیزه جویی باشی.

بنابراین، در مقایسه روش گلاس با روش آموزه‌های اسلامی می‌توان گفت هرچند در هر دو روش حفظ رابطه، اصل اساسی تلقی می‌شود، اما با این تفاوت که بر خلاف گلاس که به طور مطلق از رفتارهای کنترل‌گرانه مانند انتقاد کردن، سرزنش کردن، گلابه کردن، غرولند کردن، تهدید کردن، تنبیه کردن و باج دادن را مجاز نمی‌شمرد (۴) در آموزه‌های اسلامی استفاده حداقلی از کنترل بیرونی نیز پذیرفته شده است.

البته لازم به ذکر است که علیرغم اعتقاد گلاس مبنی بر عدم استفاده از رفتارهای کنترل‌گرانه به طور مطلق، وی در موارد متعدد عملاً نتوانسته از برخی رفتارهای مخرب به طور مطلق دست بکشد. به عنوان مثال توصیه‌ای که وی در کتاب مدیریت زندگی که به والدین نسبت به تربیت فرزندشان

دارد، این است که «تا وقتی که تام به مدرسه باز نگشته است، او را از پول توجیبی یا هر نوع پشتوانه آشکار دیگری محروم کنند» (۸) شاید در پاسخ به این سوال که چرا با وجود چنین توصیه هایی در آثار گلاس، وی کنترل بیرونی را به طور کلی نفی می کند، بتوان گفت یکی از عواملی که او را به این سمت سوق داده است، قرار گرفتن او در عصر فروید است که این روان شناس استفاده از رفتارهایی را که گلاس آن ها را کنترل بیرونی معرفی کرده مجاز می داند؛ اما گلاس با نقد و رد آن ها، نظریه خود را کنترل درونی می نامد و شاید همین امر باعث تفریط و سبک سهل انگارانه گلاس شده است.

به اعتقاد مؤلف و باتوجه به آموزه های اسلامی، روش های گلاس و فروید (کنترل درونی و بیرونی) دچار افراط و تفریط هستند. از یک سو، روش فروید آسیب جدی در رابطه به وجود می آورد؛ چون به قول گلاس افراد تحت فشار قرار گرفته و نیازهای آنها ارضا نمی شود، در نتیجه رابطه دچار مشکل می شود. از سوی دیگر در روش گلاس نیز اگر چه برخی آسیب ها برطرف می شود، اما به واسطه سهل گیری بیش از اندازه، بعضی از آسیب های جدیدی هم ایجاد خواهد شد.

در واقع، گلاس در مواجهه با دیدگاه فروید، یک طرف موضوع را دیده است؛ چرا که از مثال هایی که مطرح می کند حد افراطی کنترل بیرونی را مورد بررسی قرار داده است و به حد وسط کنترل بیرونی و درونی توجه نکرده است. از نظر او اگر در یک رابطه خیلی سخت گیری شود، رابطه خراب می شود؛ اما اگر بخواهیم به طور مطلق از این رفتارها استفاده نکنیم دچار سهل گیری می شویم که این هم آسیب های خاص خودش را دارد. چنان که زیاده روی در روش گلاس در پرورش فرزندان، باعث گستاخ شدن و لوس بار آوردن آن ها می شود که خود یکی از مشکلاتی است که در کشورها و خانواده های مرفه بیشتر دیده می شود. والدین مرفه به کوچک ترین خواسته فرزندان در مسائل مالی پاسخ مثبت داده و همین امر باعث پرتوقع شدن فرزندان می شود. در نقد این روش می توان به این روایت حضرت امام محمدباقر (ع) اشاره کرد که می فرماید: «شَرُّ الْأَبَاءِ مَنْ دَعَا الْبُرِّ إِلَى الْإِفْرَاطِ؛ بدترین پدران کسی است که نیکی [به فرزند] را به حد افراط برساند.» یکی دیگر از لوازم افراط گرایی (تأکید صرف بر کنترل درونی و غفلت از کنترل بیرونی) این است که والدین به دلیل محبت افراطی به کودکی از تربیت او و شناساندن خوبی و بدی به او غفلت کنند؛ نه انتقاد و سرزنش باشد نه نصیحت و تذکری یعنی پدر و مادر فقط به فرزند محبت می کنند. این شیوه نیز رابطه را از بین می برد، استقلال فرزند را ضعیف ساخته و ممکن

است او را به بزه کاری و خرابکاری سوق دهد. چنانچه در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده که می فرماید: به همسر و فرزندان آن قدر مهرورزی نکنید که وارد حوزه های حرام و گناه شوند و زمینه آلودگی برای آنان فراهم شود (۱۹). سبک تربیت اسلامی این است که ما را از تفریط و افراط آگاه می کند؛ تا در دامان افراط و تفریط نیافتیم. پیامبر گرامی اسلام می فرماید: یا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ. ای مردم! میانه روی را پیشه ی خود سازید. تعلیم اسلامی همچنین بازور و تحمیل (تأکید افراطی بر کنترل بیرونی) مخالف است و معتقد است بین اراده و فعل افراد باید هماهنگی و تناسب باشد. باتوجه به روایات مطرح شده در این زمینه از جمله این روایت از امام علی (ع) که می فرماید: دل های آدمیان، دارای گرایش ها و رفت و برگشت های متناوب است. پس زمانی خودتان را به کاری وادارید و چیزی را بر خود بار کنید که آن را دوست داشته باشید و دلتان به آن گرایش پیدا کرده باشد. اگر چیزی را ناخواسته و با اکراه بر خود بار کنید، سردرگم و آشفته می شوید و در اقدامات روشن و بینا نیستید^{۲۱} می توان نتیجه گرفت به جای فشار، ابتدا میل و شوق به آن کار ایجاد شده و سپس انجام شود؛ بنابراین به جای فشار بر دیگران مانند فشار والدین به فرزندان برای اموری چون درس خواندن، نماز خواندن و... باید تمایل و گرایش به آن ها را در ایشان ایجاد کرد.

لذا در مقام مقایسه روش اسلامی با روش فروید و گلاس می توان گفت روش گلاس نزدیکی بیشتری با آموزه های اسلامی دارد. همچنین با روشی که در توضیح روش برگرفته از تعلیم اسلامی گفته شد می توان از آسیب های هر دو نظریه کنترل درونی و بیرونی در امان ماند. در واقع متون اسلامی یک حد وسطی برای این دو مقوله دارد؛ یعنی نه افراط باشد نه تفریط، چرا که هر دو دارای آسیب هایی هستند.

نکته دیگر که در رویکرد گلاس با آموزه های اسلامی تفاوت ایجاد می کند، عدم توجه به نیازهای معنوی - الهی است. در واقع، هدف گلاس در بیان کردن و برشمردن نیازهای بنیادی، تعیین دقیق موارد و مصادیق این نیازها نیست بلکه مقصود اصلی او شیوه برآورده کردن صحیح این نیازهاست که نتیجه آن رضایت و خشنودی است. گلاس به غیر از نیازهای شکل دهنده هویت همچون بقا، عشق، قدرت و آزادی، به نیازی الهی توجهی نکرده است، در صورتی که اسلام اصالت را به یاد خدا و توجه به او می داند.^{۲۱} در مجموع می توان بررسی و مقایسه دیدگاه گلاس و آموزه های اسلام در مورد رفتار کنترل گرانه را در قالب جدول ۱، دسته بندی نمود.

جدول ۱. تفاوت‌ها و مشابهت‌های دیدگاه گلاس و اسلام

موضوع	دیدگاه گلاس	دیدگاه اسلام
اختیار و مسئولیت‌پذیری	هر فردی مسئول انتخاب‌های آگاهانه خودش است	رفتار تحت تأثیر اختیار فرد، قوانین و مسئولیت دینی است
کنترل درونی	کنترل درونی است و افراد باید رفتار خود را اصلاح کنند	علاوه بر کنترل درونی، افراد نیاز به کنترل بیرونی (قوانین و امر به معروف و نهی از منکر دارند)
نقش جامعه	دیگران و جامعه مسئول رفتار فرد نیستند	جامعه، حکومت و سایر افراد در رفتار انسان تأثیرگذار هستند
منبع اخلاق	مسئولیت شخصی و امری درونی	هدایت و قوانین الهی
روش تغییر رفتار	از طریق روابط مثبت و انگیزه درونی و نیازهای اساسی، نه اجبار	علاوه بر انگیزه درونی و تقوا و مباحث درونی، در مواردی نیاز به قوانین اجتماعی است
رفتار کنترل‌گرانه	مردود است و در صورت استفاده منجر به روابط ناسالم می‌شود	در مواردی برای هدایت و تربیت نیاز به رفتار کنترل‌گرانه است
منشأ رفتار کنترل‌گرانه	در راستای برآورده ساختن نیازهای خود می‌باشد	ممکن است با نیت خیر و جهت هدایت فرد صورت بگیرد

نتیجه‌گیری

را به صورت خاص و حداقلی می‌پذیرد. در واقع، طبق دیدگاه اسلام می‌توان از رفتارهایی که گلاس از آنها تحت عنوان رفتارهای مخرب یاد می‌کند و به طور کلی آنها را منع می‌کند، استفاده کرد و با راهکارهایی نظیر هدیه، آن رابطه را بالانس و متعادل کرد و از محاسن این رفتارهای بهره برد. اسلام بر خلاف گلاس و فروید، معتقد است که با انتخاب حد وسط میان رفتارهای کنترل‌گرانه درونی و بیرونی، بر اختلالات و آسیب‌های فردی و اجتماعی فائق آمد.

تعارض منافع

در این مطالعه هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

ملاحظات اخلاقی

در این مطالعه کدهای اخلاقی مصوب دانشگاه از جمله استناد به منابع استفاده شده رعایت شده است.

مشارکت نویسندگان

محمدجعفر الله مرادیان: گردآوری داده، تهیه پیش‌نویس و نگارش مقاله
سیدعلی اصغر میرخلیلی: تهیه پروپوزال، ویرایش مقاله، تجزیه و تحلیل

درحالی که علم روان‌پزشکی، بر رفتارهای کنترل‌گرانه و استفاده از دارو برای درمان اختلالات روانی و آسیب‌های اجتماعی تأکید دارد، اما گلاس به عنوان نظریه‌پرداز کنترل درونی معتقد است که انسان می‌تواند بجای کنترل بیرونی، امکان ایجاد روابط صحیح را فراهم نمود.

از سوی دیگر، در اسلام نیز به بهداشت و سلامت جسمانی و روانی توجه شده است و ادعای درمان را بیشتر در پالایش روان و مسائل غیر جسمی می‌داند. بررسی آیات و روایات اسلامی حاکی از آن است که استفاده از رفتارهای کنترل‌گرانه را مخل روابط صحیح اجتماعی و فرد می‌داند و بیش از هر چیزی بر استفاده از روش غیردستوری تأکید دارد. ازاین‌رو می‌توان گفت که اسلام نیز مانند گلاس حفظ رابطه عاطفی را در درمان مشکلات روحی مؤثر می‌داند و برای حل آسیب‌های روحی به مهارت‌های ارتباط بین اطرافیان می‌پردازد.

البته مقایسه دیدگاه گلاس و آموزه‌های اسلامی، نشان می‌دهد درحالی که گلاس معتقد است برای ایجاد رابطه خوب باید به طور مطلق از رفتارهایی مانند انتقاد، شکایت، سرزنش، غرولند، تهدید، تنبیه، باج دست برداشت و باید به جای آن‌ها از مذاکره، گوش کردن، دوستی، احترام و صمیمیت بهره برد تا رابطه پررنگ‌تر و بهتر شود، اما آموزه‌های اسلامی رفتارهای جایگزین را کافی نمی‌داند و استفاده از برخی از این رفتارهای کنترل‌گرانه

References

1. Akbari M, Arianpour H, Rezapour Mirsaleh Y. The effectiveness of group reality therapy based on choice theory on responsibility, locus of control, and reduction of agonist medication dosage in substance-dependent individuals under maintenance treatment. *Addiction Research* (E'tiyad-Pazhouhi, 2022 (In Persian)
2. Glasser W. *Choice Theory in the Counseling Room*. Sahebi A, Soltani Far A, translators. Tehran: Saye Sokhan Publication; 2021. (In Persian)
3. Ibn Abi al-Hadid. *Sharh Nahj al-Balagha*. Vol. 7. 1st ed. Qom: Ayatollah Mar'ashi Najafi Library; 1958. (In Persian)
4. Glasser W. *Choice Theory in the Counseling Room*. Sahebi A, Soltani Far A, translators. Tehran: Saye Sokhan Publication; 2021. (In Persian)
5. Glasser W. *Every Student Can Succeed*. Sahebi A, translator. Tehran: Saye Sokhan Publication; 2017. (In Persian)
6. Glasser W. *for Parents and Teenagers: dissolving the barrier between you and your teen*. Sahebi A, translator. Tehran: Saye Sokhan Publications; 2015. (In Persian)
7. Glasser W. *Control Theory: A New Explanation of How We Control Our Lives*, Melikian A, Ahmadi SA, translators. Tehran: Rah-e Kamal Publication. 2008 (In Persian)
8. Choice theory approach in the story of "The Lion and the Beasts" from the first book of Masnavi-ye Ma'navi. *Didactic Literature Review*. 2023;(57)15
9. Movahedi Rad M, Ebrahimi MS, Sahebi A. The effect of choice theory training on basic needs satisfaction and aggression level in high school girls. *Royesh-e-Ravanshenasi* (Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal (RRJ)) 2021;10(9)
10. Montaseraldooleh N, Sadeghi Nejad S, Ghorbanpour Ahmad Sargourabi F, Faraji Z. The effectiveness of choice theory training on aggression in mothers of students. *Advances in Psychology, Educational Sciences and Education*. 2023;6(58)
11. Mohammadi S. The effect of reality therapy on students' discipline with emphasis on the quality world. In: *Proceedings of the National Conference on Research in Management and Humanities in Iran*; 2024
12. Tarkamani Barandoozi V. Investigating the Basic Needs in Vis's Personality Using William Glasser's Choice Theory. *Journal of Literary Studies and Research*. 2021; (2)12
13. Nuri al-Tabarsi MH. *Mustadrak al-Wasail wa Mustanbat al-Masail*. Qom: Institute of Ahl al-Bayt (a.s.), Ihya' al-Turath; 1990. (In Persian)
14. Saduq. *Man La Yahduru al-Faqih*. Vol. 3. Qom: Society of Seminary Teachers Publications; 1992. (In Persian)
15. Muttaqi, Alaa al-Din ibn Hissam al-Din Hindi. *Al-Mirshid ila Kanz al-Amal fi Sunan al-Aqwal wa al-Ahal*. Beirut: Al-Risala Institute. 1989. (In Persian)
16. Tamimi Amadi, Abdul Wahid bin Muhammad. *Gharar al-Hikam wa Durar al-Kalim*, translated by Mustafa Derayati. Mashhad: Zarih Aftab publication. 2002. (In Persian)
17. Tabatabai, Mohammad Hossein. *Sunan al-Nabi*. Tehran: Islamieh Publication. 1996. (In Persian)
18. Majlisi MB. *Bihar al-Anwar*. Vol. 72. Beirut: Dar al-Ihya' al-Turath al-Arabi, 1982 (In Persian)
19. Mohammadi Far M, Ghaeri Zadeh T, Fathi Azar S. The effectiveness of spiritual care and choice theory on academic vitality and flourishing of students. *Journal of New Psychological Research*. 2024; (73) 19
19. Qorbanpour Lafmejani H, Qorbanpour Lafmejani A. Critique of the anthropological view of Glasser's reality therapy theory based on Imam Ali's anthropological perspective in Nahj al-Balagha. *Seraj Monir*. 2021;(42)12